



شیوه‌های آماده‌سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت/ ضرورت وجود امام

نویسنده کتاب سیره سیاسی معصومان(ع) در عصر حاکمیت جور گفت: یکی از شیوه‌های رفتاری معصومان در آماده سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت، ایجاد ارتباط از طریق مکاتبه و نامه‌نگاری است.

نویسنده کتاب سیره سیاسی معصومان(ع) در عصر حاکمیت جور گفت: یکی از شیوه‌های رفتاری معصومان در آماده سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت، ایجاد ارتباط از طریق مکاتبه و نامه‌نگاری است.

به گزارش خبرنگار مهر، ائمه(ع) در دوران امامت خود با توجه به ویژگیهای عصر و زمان خود و همین طور حاکمان ظلم و جور و همین طور درک و شناخت مردم و نحوه فعالیت ضد دینی و قرآنی حکمای اموی و عباسی رفتارهای خاصی را از خود بروز دادند، برخی به صورت آشکارا و مستقیم با حکام مستبد درگیر شدند و برخی به صورت غیرمستقیم و ... این امر باعث شده که این شبهه پیش آید که چرا برخی از ائمه(ع) با حاکمان ظلم و جور مبارزه نکردند.

در گفتگوی پیش رو که با حجت الاسلام والمسلمین محمد ملک زاده، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و نویسنده کتاب سیره سیاسی معصومان(ع) در عصر حاکمیت جور انجام شده، سعی شده به این سؤالات پاسخ داده شود؛

*با توجه به اینکه دین اسلام، دین کامل هست و از سویی انسان به تکامل عقلی رسیده و دلایل دیگری که باعث شد ختم رسالت صورت گیرد و حضرت محمد(ص) خاتم پیامبران باشند، چه نیازی به جانشینی پیامبر(ص) وجود داشته و دارد؟

موضوع امامت و رهبری امت اسلامی، از مهمترین ارکان دین اسلام و پایه بنیادین مکتب تشیع است. با وجود این بعد از رحلت رسول گرامی اسلام(ص) چنین موضوع مهمی مهجور ماند و مورد کم‌&ZWNJ; مهری امت اسلامی واقع شد؛ بدیهی است تا زمانی که چنین دیدگاهی برای جامعه اسلامی شناخته نشود، تأسیس حکومت دینی و اسلامی نیز میسر نخواهد بود. از این رو شناساندن این مقام و صاحبان اصلی آن به مردم، یکی از محورهای مهم فعالیت امامان معصوم به شمار می رفت. آنان هر جا موقعیت مناسبی می‌&ZWNJ; یافتند، مسئله امامت و اهمیت آن را به شیوه های گوناگون بیان کرده و خود را شایسته تصدی آن مقام معرفی می کردند. تلاشهای پیشوایان معصوم در راستای تبیین جایگاه امامت و نشر فرهنگ ناب اسلامی را می توان در چهار محور؛ روایات، نامه ها، زیارات و ادعیه تشریح کرد.

اصل رهبری و ولایت صالحان، از آن جهت مورد اهتمام و تأکید قرار گرفته که اصولاً بدون تحقق این اصل، صلاح و اصلاح فرد و جامعه عملی نخواهد شد

از آنجا که موضوع امامت و رهبری پیشوای عادل، پس از اصول توحید و نبوت، از حساس&ZWNJ;ترین و سرنوشت&ZWNJ;سازترین مباحث جهان اسلام به شمار می آید، از این رو حجم گسترده ای از معارف شیعی نیز به مبحث امامت اختصاص یافته است. در متون روایی نکاتی درباره امامت و رهبری دینی - سیاسی امت بیان شده که روشن می&ZWNJ;سازد اصل رهبری و ولایت صالحان، از آن جهت مورد اهتمام و تأکید قرار گرفته که اصولاً بدون تحقق این اصل، صلاح و اصلاح فرد و جامعه عملی نخواهد شد، زیرا در جامعه ای که زمام امور در دست جاهلان و ظالمان و نااهلان بیفتد، هرگونه تلاش اصلاح گرانه، بدون نتیجه خواهد ماند.

این رویکرد به مسئله امامت و رهبری در سیره سیاسی اهل بیت(ع) ما را با بسیاری از حقایق در زمینه مواضع سیاسی ائمه معصومان آشنا ساخته و ضرورت آن را برای جامعه اسلامی تبیین خواهد کرد.

امام محمد باقر(ع) در بیان ضرورت امامت و نیاز امت به رهبری صالحان می فرمایند: مردم از آن جهت به وجود پیامبر(ص) و امام نیازمندند که استمرار صلاح(سامان نظام مادی و معنوی) جهان به وجود آنان متکی است، زیرا خداوند به وسیله پیامبر(ص) و امام است که عذاب را از زمینیان بر می&ZWNJ;دارد.(بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۵۰) بدیهی است که رفع عذاب از مردم به وسیله وجود پیامبر(ص) و امام معصوم(ع)، امری اعتباری و اعتقادی نیست، بلکه از واقعیتی ملموس، طبیعی و استدلالی حکایت دارد، زیرا پیشوای معصوم در جامعه هرگز ساکت و بی تفاوت نخواهد بود. او در راه اصلاح جامعه و تعالی بخشیدن به آن می کوشد و در پرتو تلاشهای اوست که جامعه انسانی، مسیر صلاح و کمال را می پیماید و به

طور طبیعی چنین جامعه ای تحت اشراف و رهبری پیشوای معصوم مورد لطف پروردگار قرار گرفته و مشمول عذاب واقع نمی شود، البته در کنار این مسئله وجود پیامبر و امام معصوم بدون تردید و به خودی خود رحمتی برای اهل زمین به حساب می آید. به طوری که اگر مردم به گناه و معاصی نیز آلوده شوند، به سبب وجود حجت الهی در زمین، چه بسا مورد عذاب الهی واقع نشوند. چنانچه خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...» تا زمانی که تو (پیامبر) در میان آنان (مشركان مکه) باشی، خداوند عذاب خویش را بر آنان نازل نخواهد کرد. (انفال/۳۳)

در هر حال تأکید و اهتمامی که از سوی ائمه معصوم نسبت به مسئله امامت و ولایت دیده می شود، از نقش اصلاحی عمیق امام در جامعه است. به طوری که اگر امامت و رهبری صالح و الهی، از نظام عقیدتی - سیاسی امت اسلامی حذف شود، با هیچ وسیله ای نمی توان این خلأ بزرگ را پر کرد. بر این اساس و به دلیل اهتمام عمیق پیشوایان معصوم به موضوع امامت و رهبری امت، اصل تعیین وصی و جانشین از اصولی است که هرگز مورد غفلت ایشان واقع نشده است.

* با توجه به اینکه در شهادت امام حسن عسکری (ع) و آغاز امامت حضرت مهدی (عج) به سر می بریم، امامت این دو امام بزرگوار چگونه معرفی و به رسمیت شناخته شده است؟

امام هادی (ع) در موارد گوناگون به امامت امام حسن عسکری (ع) و به عنوان وصی و جانشین خویش تصریح فرمودند. از جمله در یک مورد یحیی بن یسار قنبری می گوید: چهار ماه پیش از شهادت امام هادی (ع)، آن حضرت وصیت کرد و من و جمعی از موالی (غلامان آزاد شده) را بر آن گواه گرفت. وصیتش این بود که امام بعد از من و جانشین من، حضرت حسن عسکری است. (اعلام الوری، ص ۳۱۵)

پس از شهادت امام هادی (ع)، فرزندش امام حسن عسکری (ع) که به همراه پدر بزرگوارش به سامراء احضار شده بود، زعامت سیاسی و دینی امت را برعهده گرفت و همچون اسلاف بزرگوار خویش بر اثر مقاومت و مبارزه بر ضد حاکمان وقت، به شهادت نائل شد. این مقاومتها و ایستادگیها در برابر حاکمان جائز که همگی به شهادت پیشوایان معصوم نیز منجر می شد، برترین الگوی عقیدتی - سیاسی را در حیات این امت نمایان می سازد، زیرا آن بزرگواران از این راه بهترین شیوه را در تربیت امتی مبارز برگزیدند و درس آزادگی، صبر و ایستادگی در برابر جائران و ظالمان را به ایشان آموختند.

حضرت مهدی (عج) تنها فرزند امام حسن عسکری در سال ۲۵۵ ه.ق در سامرا دیده به جهان گشود و به مدت پنج سال (تا سال ۲۶۰ ه.ق) در کنار پدر بود. در این زمان بیشترین فشارها و تهدیدها از سوی حاکمان وقت متوجه خاندان عصمت و طهارت بود و به طور جدی در صدد نابودی نسل ائمه (ع) برآمده بودند. از این رو امام حسن عسکری (ع) در این مدت به طور کامل مهدی (عج) را پنهان می کرد، حتی غیر از افراد خاص از تولد او نیز اطلاع نیافته بودند. با این حال در موارد اندک، آن حضرت را به یاران خاص و مطمئن نشان می داد و معرفی می کرد که در روایات متعدد به آنها اشاره شده است.

با توجه به فشارها و شرایط سخت در اواخر عمر شریف امام حسن عسکری (ع) پس از شهادت آن حضرت در سال ۲۶۰ هجری، حضرت مهدی (عج) غایب شد. در این وضعیت حتی شیعیان خاص نیز جز در موارد نادر از دیدار ایشان محروم بودند. با غیبت امام معصوم، نیاز جامعه اسلامی به جانشین آن یا نایبانی که به نمایندگی از امام معصوم با مردم ارتباط برقرار کنند و به نیازهای اجتماع و دینی آنها را پاسخ گویند، بیش از پیش احساس شد. از این رو در غیبت صغری که حدود هفتاد سال به طول انجامید، آن حضرت توسط نمایندگان خاص که به نواب اربعه معروف اند، با مردم تماس داشتند.

با توجه به نیاز اساسی مردم به وجود امام معصوم که در عصر غیبت صغری (۲۶۰ - ۳۲۹) توسط نایبان خاص چهارگانه تا حدودی مرتفع شد، پس از اتمام دوره غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، نایبان خاص به نایبان عام تبدیل شدند که از آن با عنوان ولایت فقیه یاد می کنیم

از این رو اصل تعیین وصی و جانشین اصلی، همواره در سیره سیاسی و اجتماعی پیشوایان معصوم مورد توجه بوده است تا در هیچ زمان جامعه اسلامی در تأمین نیازهای سیاسی - اجتماعی و دینی خود سرگردان نماند. با توجه به نیاز اساسی مردم به وجود امام معصوم که در عصر غیبت صغری (۲۶۰ - ۳۲۹) توسط نایبان خاص چهارگانه تا حدودی مرتفع شد، پس از اتمام دوره غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، نایبان خاص به نایبان عام تبدیل شدند که از آن با عنوان ولایت فقیه یاد می کنیم.

یکی از شیوه های برقراری ارتباط میان ائمه اطهار(ع) با مردم به ویژه در دوران خفقان و عصر تقیه، ارتباط از طریق نامه و نماینده بود. ارتباط با این شیوه به ویژه در سالهای منتهی به عصر غیبت بیشتر مشهود است. به عنوان مثال یکی از برنامه های امام حسن عسکری(ع) که به شدت با مراقبت دستگاه حاکم همراه بود، ارتباط از طریق نامه های الهی - سیاسی است که برای دوستان، شیعیان و نمایندگان فرستاده می شد. این نامه ها همچون اعلامیه های محرمانه ای بود که دست به دست می گشت و موجب بیداری و هوشیاری شیعیان در برابر ظالمان می شد.

از جمله نامه های آن حضرت می توان به نامه های ایشان به شیعیان قم و آوه(اطراف ساوه) اشاره کرد. امام حسن عسکری(ع) حتی گاهی از درون زندان و از طریق رابطان خاص برای شیعیان نامه می فرستاد و آنان را دلدار می داد. افزون بر نامه، نمایندگان و نائبان ائمه(ع) نیز گاهی واسطه ارتباط میان شیعیان و ائمه اطهار می شدند. در زمان امام حسن عسکری(ع) نیز افراد متعددی به عنوان وکیل آن حضرت، در شهرهای مختلف ایران وجود داشته و شیعیان ایران به واسطه این وکلا، با آن حضرت ارتباط برقرار می کردند.

یکی از شیوه های برقراری ارتباط میان ائمه اطهار(ع) با مردم به ویژه در دوران خفقان و عصر تقیه، ارتباط از طریق نامه و نماینده بود. ارتباط با این شیوه به ویژه در سالهای منتهی به عصر غیبت بیشتر مشهود است

*ارتباط از طریق نامه و تعیین وکلا و نائب یکی از شیوه های ارتباط با ائمه(ع) خصوصاً در دوران امامین عسکریین(ع) بوده است، این روش چگونه برای ارتباط با امام زمان(عج) در دوران غیبت صغری آموزش داده شد؟

یکی از شیوه‌ها ZWNJ&های رفتاری معصومان در آماده سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت، ایجاد ارتباط از طریق مکاتبه و نامه ZWNJ&نگاری است. این امر نیز بیشتر از طریق وکلا و نائبان پیشوایان معصوم انجام می ZWNJ&گرفت. با این حال می توان آن را به عنوان یک گزینه مستقل در نظر گرفت.

با بررسی مجموعه نامه ها و توقیعات امامان معصوم متوجه می شویم که بیشتر آنها، نامه به دو امام هادی(ع) و عسکری(ع) بوده است، این امر به قدری در زمان این دو بزرگوار شایع بود که حتی ساکنان شهر سامراء نیز بیشتر از طریق مکاتبه و نامه نگاری با ایشان ارتباط برقرار می کردند. همین شیوه در عصر غیبت کبری برای ارتباط با امام عصر و با حجم بیشتری انجام پذیرفت.

*به غیر از این مورد، توسط ائمه(ع) چه روشهای دیگری برای آماده سازی شیعیان برای ورود به دوره غیبت اجرایی شد؟

پنهان نگه داشتن علائم حمل و تولد حضرت مهدی(عج) از آخرین نشانه های نزدیک شدن به عصر غیبت است. پس از ولادت آخرین پیشوای معصوم، تنها برخی از اصحاب بسیار نزدیک امام حسن عسکری(ع) از این امر اطلاع یافتند. هرچند این مسئله به دلیل جو بسته سیاسی آن عصر و به لحاظ مسائل امنیتی انجام شد، اما مقدمه ای برای ورود به عصر غیبت و آماده سازی ذهن شیعیان برای مواجهه با امام غائب نیز به حساب می آمد، البته این موضوع در رابطه با تولد حضرت ابراهیم(ع) که مادر نشانه ای از حمل نداشت و یا در مورد حضرت موسی(ع) و به آب انداختن او می توان دید.

*وجود عصر غیبت صغری را هم می توان شیوه آماده سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت کبری دانست؟

بله! غیبت صغری، آخرین حلقه روند افزایشی برای قطع ارتباط امام معصوم با شیعیان به شمار می ZWNJ&رفت. پیش از این مرحله، با ایجاد سازمان وکالت و کاهش ارتباط مستقیم امام معصوم(ع) با مردم و همچنین شیوه های دیگر، پیشینه ذهنی مناسبی برای جامعه اسلامی و ورود مسلمانان به عصر غیبت فراهم آمد، ولی هنوز شرایط لازم برای قطع ارتباط کامل همین ارتباط محدود نیز فراهم نبود.

غیبت صغری، آخرین حلقه روند افزایشی برای قطع ارتباط امام معصوم با شیعیان به شمار می ZWNJ&رفت

در مرحله غیبت صغری امام معصوم(ع) ارتباط اندک و محدودتری با مسلمانان و شیعیان برقرار می ZWNJ&کرد و این ارتباط، از طریق وکلا و نواب خاص پیشوای معصوم بود، ولی به هر حال در این دوره پیشوای معصوم در جامعه ساکن بود و مسلمانان نیز به این امر آگاهی داشته و گاهی با سپری کردن موانعی نیز می ZWNJ&توانستند آن حضرت را ملاقات کنند. بنابراین در این مرحله امام معصوم از انظار عمومی پنهان شده و با تعیین وکلا و نائبان خاص تقریباً ارتباط خویش را با مردم به ارتباط از طریق وکلا منوط ساخت.

امام مهدی با تعیین سفیران چهارگانه عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری، با مردم ارتباط برقرار می کرد. وظایف این سفیران رسیدگی به اموری بود که شاید تا پیش از این امام معصوم به طور مستقیم خود برعهده داشت. نواب اربعه نیز به طور مستقیم با حضرت مهدی ارتباط داشتند و از محل زندگی آن حضرت آگاه بودند، ولی هرگز آن را به اطلاع عمومی نمی‌رساندند.

این وکلا در پوشش راه هایی چون تجارت، با شیعیان تماس می گرفتند و به نیازهای آنها پاسخ می گفتند. نمایندگان خاص حضرت مهدی بیشتر در بغداد به سر می بردند، اما با وکلای فرعی دیگر در مناطق مختلف سرزمینهای اسلامی در ارتباط بودند. امام مهدی(عج) از یکسو با این نمایندگان خاص ارتباط حضوری و مستقیم داشتند و از سوی دیگر با نمایندگان و وکلای شهرهای بغداد، کوفه، قم، اهواز، همدان، ری، آذربایجان، نیشابور و دیگر مناطق مکاتبه داشته و ارتباط برقرار می کرد. بدین ترتیب پیشوایان معصوم به صورت گام به گام و تدریجی، ذهنیت جامعه اسلامی را برای ورود به عصر غیبت آماده ساختند و به آنان آموختند چگونه در عصر حاکمیت جور، نیازهای شرعی خود را برآورده سازند.

*شبهه ای که در مورد ائمه(ع) مطرح هست، این است که چرا همان طور که امام حسین(ع) قیام کردند، دیگر ائمه(ع) قیام نکردند و با حاکمان جور درگیر نشدند؟

از نظر امام خمینی(ره)، نکته مهم در رفتار و سیره سیاسی ائمه(ع)، توجه به مصلحت جامعه اسلامی و حفظ کشور اسلامی است. گاهی این مصلحت اقتضاء می کند با حاکمان جور به طور مقطعی و محدود همکاری شود و گاهی هم حفظ کشور اسلامی و مصلحت مسلمانان در گرو انقلاب و تأسیس حکومت اسلامی است؛ یعنی حرکت از گفتمان اصلاح به سوی گفتمان انقلاب. در گفتمان سیاسی انقلاب سخن از تغییر کامل اوضاع به میان می آید. در این گفتمان نیز هدف، انجام تکالیف الهی و در راستای حفظ مصالح و موجودیت کشور اسلامی و مسلمانان است که در اندیشه سیاسی تشیع و الهام از مکتب اهل بیت(ع) ظهور و بروز داد.

گفتمان انقلاب، نخستین بار از سوی پیامبراسلام(ص) ارائه شد. آن حضرت با تکیه بر تعالیم الهی برای تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی به پا خاست و در مرحله بعد در نهضت انقلابی امام حسین(ع) تجلی یافت. ایشان برای حفظ مصالح جامعه اسلامی بر ضد حاکمیت جور قیام کرد و نهضت تاریخی عاشورا را به منصفه ظهور نشاناد.

در عصر حاضر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در قالب گفتمان انقلاب عملی شده و به دنبال آن نظام جمهوری اسلامی تأسس شد. در نهایت گفتمان سوم، گفتمان تقیه است که براساس عمل به تکلیف الهی و حفظ موجودیت و مصالح مسلمانان و جامعه اسلامی در سیره سیاسی اهل بیت(ع) تجلی می یابد.

اصل سیاستمدار بودن پیشوایان معصوم، از اصول قطعی و مشترکی است که در تمامی جوانب و زوایای زندگی آن بزرگواران دیده می شود. سیاست، آنچنان با زندگی فردی و اجتماعی معصوم آمیخته است که هرگز امکان جدایی میان آن دو وجود ندارد. با وجود این در مقاطعی از تاریخ، گروهی همواره کوشیده اند میان دین و سیاست فاصله انداخته و عالمان و پیروان دین را از دخالت در سیاست برحذر دارند. جمعی از این گروه، استعمارگران و دنیاطلبان بوده اند که با هدف چپاول دین و دنیای مردم، تز جدایی دین از سیاست را ترویج کرده اند و جمعی دیگر، افرادی هستند که اطلاع حقیقی از مفهوم دین یا سیاست ندارند. این گروه به دلیل شناخت ناقص از دین و سیاست و تلقی صرفاً منفی از مفهوم سیاست، ارتباطی میان این دو برقرار نساخته اند.

مطالعه در متون و منابع دینی و همچنین سیره پیشوایان معصوم ما را با دو مفهوم مثبت و منفی از سیاست آشنا می سازد. سیاست مثبت، اقدام برای سامان دادن دنیای مردم با بهره گیری از ابزار صحیح و مناسب است. تدبیری هوشمندانه و جامع برای اجرای عدالت و حافظ جامعه از بی نظمی و نابسامانی، تا عوامل رشد و تکامل انسان فراهم شود. در برابر این سیاست، سیاست منفی قرار دارد که در خدمت منافع دنیاطلبان و وسیله ای برای نیرنگ و ترفند در راه اجرای اهداف آنان است. روایات مختلف افزون بر اشاره به هر دو گونه سیاست (مثبت و منفی) انسانها را به سیاست صحیح و مثبت فراخوانده و از سیاست باطل و منفی برحذر می دارد.

سیاستی که در اجرای عدالت، ادای حقوق و رعایت ارزشهای اخلاقی به کار رود، سیاستی مثبت و پسندیده خواهد بود و هر سیاستی که در راه ظلم و ستم و هر گونه امور باطل قرار گیرد و به عنوان ابزاری برای اهداف غیرانسانی و غیراخلاقی باشد، سیاست مذموم، ناپسند و منفی خواهد بود. بر این اساس بدیهی است که ارتباط ناگسستنی پیشوایان معصوم با سیاست، به سیاست مثبت و پسندیده بازگردد. ارتباطی که با تار و پود زندگی آن بزرگواران آمیخته

بوده و تفکیک ناپذیر است، زیرا اساس زندگی معصوم و به طور کلی پیامبران الهی از یک سو بر اثبات وحدانیت و ربوبیت الهی قرار گرفته و از سوی دیگر با طاغوتیان و معبودهای باطل به مبارزه برخاسته است. مهمترین وظیفه آنان اجرای عدالت و قسط در میان مردم است، وظیفه ای که بدون دخالت در سیاست و تأسیس حکومت امکان پذیر نخواهد بود.